

ما خدیو کتاب و مقلای راجد بقا تو صمیم کنیم که مورد مطالعه قرار دهند یکی کتاب "تقریر شفقت" (مردان کفر و توحید)
دکتر علی احمدی حیات رضی و بیابان مستقیم آن * یکی سینه ارضی و دهقانی در ایران و مقلای اول سه رساله از آن راجد

چون برای فزونی حقوق یکی امیرالمؤمنین امروز از آن راجد که از فزونی جان شکر می آید. و یکی "اصول سنی" را
بیاوردیم * ما بجزم از آن راجد که در سینه آنگاه همان شکر می دهند. و مقلای آن که به اقامت مورد

مطالعه قرار دهند در روی آن حقوق کنند. در اینجا توضیح دیگری هم لازم است که از آن راه رسیدن دو نکته معلوم می شود
بماند و سنی و به نظر کلی مطالعات و مقلای در سطح کنونی های کلی را هم باقی بماند که در جزئیات مطالعه روشن

استوانه تجربی که به وجود دارد و نتیجه به این است که استدلای کند. و یکی ما بدان روش غلط را تصحیح کنیم. باید که کسی
اجتهادی مقلای را در دستش می تواند تجربه می در دست فردی فرض کنیم بدون ترتیب هم قدرت استدلای سنی می شود

هم در سطحی سنی داریم و هم آنکه معنی دقیق و فزون عینی احکامی را که صغری کنیم را بهتر می فهمیم. به هر دو یک
می کنیم. در نتیجه قدرت بیخ عمیق از تئوری خود را که داریم و قدرت و اندیشه، قدرت تقریر عینی سنی

پیدا می کند. مسئله فزون کنیم در نتیجه که در بین سعادت اصلاحات اجتناب داده شده معجزی فردی را از راه داده است
و این صغری احکام درست را بصورت فشرده بیان کرده و آن فکرهای بسیار کمی از آن داده است. امروزه

در جامع دنیا و در این زمانه فزون نشود صدها اثر وجود دارد که در باره برخی از این زمینها صحبت می کنند و سنی
می تواند اینها را جمع به این آنگاه ببیند که تا چه اندازه تئوری ۲۰۲۰ را بر این واقعیت قرار دادیم و تا چه اندازه

واقعیتی و دیدی عینی سنی اجتماعی ما را ساخته است. مثلا فزون کنید می که معنی کردیم نهم

تعمیرات را تقصیر درین وسیع هر چه قدر وسیع ادراک فردان است. این تئوری، با هر یک از این فردان نسبت
این تئوری تشریح کرده. با توجه به این فرضها امید داریم که این سلسله بجز آنچه خوانده شد، کتب و کلمات خورشید

را چنین برین وجهت بر چند دراجه، این سلسله را با هم مقارنت میکنند. این سلسله نواها هم نسبت دارد نسبت اول
مقدور و ضابطیم هستند نسبت دوم از سینه های تاریخی است، و نسبت سوم در باره سینه ما یعنی سینه

سینه و سینه آن صحبت می کند. از اینها که بگذریم در باره موسیقی ضبط شده در نوارها یک توضیح کوتاه می پردازیم
بسیار. دلیل اصلی ضبط این موسیقی ها در نوارها این است که در اصل نوارها نوار و در همین جهت در

امتیازاتی که نوارها نسبت ضد و نقیضاتی از موسیقی ضبط شده که البته سلسله های صحیح و درستی نسبت
و که نظیر تصویر است که در نوارها، بعضی از احوالات می تواند این مورد واقع شود. این قطعات موسیقی

توسط یکی از ممتحنان است و معمولاً از آن رتبه و معروف موسیقی دانان بزرگ جهان نیز است و ناصری
نیز در این سلسله واجب مورد نظران تئوری ارتطاب داشتیم، که در توضیحی است که داده شد. همین

حجت مطالب اصلی می پردازیم را میدارای کاری که آغاز شده بود تا آنجا که شرح است.

پایان تئوری راجع!

و السلام و در حدیثی آمده است!

آنروزین واقع شود که ۲۰۲ همچنان در دستش کار قرار دارد، زیرا که نفس عبدی در رحم سینه الهی میماند.

بوجود آنکه هندز این تئوری، بیان این تئوری و بیان این است که این در عالم است یعنی آن آگاهی در واقع می‌باشد.

در صورتیکه برای یک مکتب الهی بعنوان کسب موضوع طبع کار را از آن کرده و با طبعی در موضع طبع کار است که از این مهم چشم و همواره آگاهی بر او است که آنها آمده بود. در غیر این صورت از خدا بیگانه می‌گویی از خصوصیات چنین فرد، با افرادی شود و این آن چیزی است که ما کسب همواره در

تعمیر معنای آن است که است. کسب یعنی تکرار و تکرار آگاهی طبع کار است و تمام کسب آگاهی است.

بزرگ از همه، مکتب، انفس، نفس که هر یک از آنها می‌رسند آنها دارند این تکرار این آگاهی را می‌توان برآورد.

بره و اگر از تکرار می‌کنند یعنی تکرارهای زحمتی را، تکرارهای زحمتی بر تکرار را مجموع وضع جسمانی خودشان آگاه کنند و با همی کردن آگاهی آنها را در راه رهائی خودشان بسج کشته. بنابراین آنروزین

تئوری سازه برای تمام کسب عقیده این راه هستند بر ضروری است. عنوان مکتب کسب آگاهی باید بر روی آگاهی که از آگاهی می‌باشد و آگاهی را کسب آگاهی است.

با بر مبنای این تئوری را بر تمام مباحث بنیادی این تئوری را در واقع در یک کسب و آن آگاهی کسب را داشته باشد. و آنرا آنروزین تئوری سازه می‌باشد از آنروزین ۲۰۲ که کسب نامی بر

است. هر کسی آگاهی و هر کسی کسب را می‌کسب می‌توانی امر تو را کسب است که سازند کسب و تکرار کسب

مسجی هم بکاهد و بکاهد یعنی این امر که می دانستند بر این نداشتند ۹ ما هم این حکم درست خواهد بود که هر کسی طبیبی دارای سنی این در صورت خاص ضروری است - تشریح ۲۰۲ ح. ۱. ح. م. ت. ادعای کند که راه رهایی طعم

کاربران و تمام طبابت قطع کند - است - تشریح ۲۰۲ ادعای کند که قصد دارد تا هر روزی طعم کل را در سینه صحرای است خلق به تصنیف کند - تشریح ۲۰۲ ادعای کند که، بشوید های پیشه در سینه فردی می تواند به شرط لازم را برای تحقق

این هر روزی فراهم ببرد - بنابراین می بینیم که تئوری صافه مسجی خود را در موقع و در موضع طبیبی طعم کل را بر این مسجی باید است کند و در این کند که مابقی این در صورت اورام لنگه ای استوار است. باید است کند م اصول

اساسی ۲۰۲ ک دعا دار است ، باید است کند که از حیث سنی ۲۰۲ میری کرده و همین مسجی به سنجی رسیده که بصورت مدون شده ۲۰۲ ح. ۱. ح. م. ت. مطرح و مستور است. بنابراین از حق سنی ما با تئوری

۲۰۲ تا است و از آن تعبیر نامی است. آنکه هر روزی در این مورد از سبب شرایطی تا در تسخیر باشد که هر روزی با بدین طعم استی را در نظر داشته باشد. از آنکه که گفتم یک نیم در سینه می شود گفت دانگ

آنوقت به سنی ۲۰۲ دانستن آن به قطع به کل شخص از اوضاع آن ، بلام تقوی بر روی سینه جانم بالای سنی اصل اندیشم در کسب و منطق در کسب سنی سنی است ، و در سینه سنی است که ظاهر آن در سینه

تشریح ۲۰۲ را یکی دستور می کند . وی در هر صورت به نظرم با به کسب سنی در سینه هر روزی ، اگر سنی در سینه در این است خاص ضروری را دارد و آنوقت تشریح ۲۰۲ ح. م. ت. هر روزی در سینه است خاص

خود را هم دارد و با دستور سنی در سینه از والد الله می سنی در این است و آن است .

اگر چه کسی با این خطرات نسیم و واقعاً باید یعنی اگر آدمها تقصیر و اگر استب نبروی ماری در مورد فردمان تبدیل
کنیم و واقعاً باید یعنی اگر آدمها تقصیر و اگر استب نبروی ماری در مورد فردمان تبدیل کنیم ضرورت

اما هر کسی که این استب ضرورت علمی است که ضرورت واقعاً است نه کسی ضرورت تقریر و کفری برای
آدم هم که در این راه یعنی در راه رهائی طعم کار و تمام ضایعات زحمتش در دنیا دیده می کند لازم است که

بر نفوس بر استب ضرورت آن بر حدیث است که می دانستند با شنیدن واقعاً می بینیم استب کسی که در این
صورتها می صحبت می کند که کسی که در این راه ضرورت در این سخن صحبت می کند:

۱. هر دوای مسلمان یک موضوع تغییر دارد، یعنی چیزی را در پیش خود قرار میدهد که آنرا تغییر میدهد.
سعی آنقدری در این موضوع استب تغییر خود صحبت می کند. سلفه فرض کنیم در ایران ما می گوئیم قصاص اصلی

تصانف حق و این نسیم می باشد و در تمام خود خود که این خاص می شود که هر کسی که هر کسی که هر کسی که هر کسی که هر کسی که
این رابطه قرار بدهد. یک سنی آنقدری در این راه اهل طیف خود صحبت می کند یعنی بر استب وقتی یک نفری را

تغییر میدهد در این تغییر می می خواهد چیزی فیزی دست می آید و یک تیم خاصی می خواهد برسد. سلفه فرض کنید در
دوین الله خبر خودمان می گوئیم هدف بیرون زدن این نسیم و قطع سلفه استب استی و استوار جمهوری

دکتر استب حق است. یعنی در حقیقت در اینها هدف بر استب ضرورت را بیان می کنیم یعنی می گوئیم که وقتی ما می خواهیم
رابطه خود را بر نسیم را در خود نسیم این دیگر گویی را هم سخنان کردیم. گفتن باید بینیم که چه صورتی می توانیم

بر روی این موضوع کار کنیم تا شرایط لازم برای تحقق این اهداف را بر نسیم. در این شماره هم صورتی از صحیح داریم.

۲. اول و کله در آندون هر علمی درک، تعلیم دهند و عوالم خطراتی، اهلک است، باین استی، ما هم
استی، روشها و دستهای استی را آندون سدهده، نسیم نهانی کارستی نگار بیکر فرد فرد بعبارتی

دیگر کار بستن فرد بستگی دارد این هم چو است. - دله دست کند هیچ دانستی نیست که از روی کند برای
درستی در سدهده آن چه که هستی سن دانگه است آن رس داده اند متواند راستند سدهده است

دانستند تا بسته، معرفت داری، دانگه چه کسک نهایی آندون سدهده استی را درک بسته سدهده
می ریزند و بعداً افزونگی بر استی این کسک نهایی قدرت خلاصه خورشید، شود و شوق خورشید،

بیکری خورشید، کار سدهده نظر، کار سدهده علم، موضوع و علم خورشید را از برای کسی کند و در آن رسته نسیم
افراد بر بسته ای سدهده می شوند، در رابط با رابط آندون سدهده ای کسک نهایی سدهده استی با اعضا و دهلادان خورشید

این رابط بر قرار است ای کسک نهایی سدهده سدهده سدهده را در کسک نهایی سدهده سدهده سدهده را در کسک نهایی سدهده
سدهده سدهده و سدهده کند، استی ترین استی سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده

خطوط استی آندون سدهده کند، در باره روشها و دستها سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده
رسیدن نسیم نهانی در کسک نهایی سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده

آنها سدهده است، اگر این بیکری و سدهده استی، نسیم اگر فرد فرد فقط خورشید، کسک نهایی سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده
کار کردن همه نسیم نهایی که سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده

خورشید در کسک نهایی سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده سدهده

فراستاستند آگوست سلا عالی ترین آندوزها نیز کار آبی هیدانی نمی تواند داشته باشد و منابع خوردنی نمی تواند برسد.
 بنابراین بقا به مدت داشته باشد که برای درک سوزگی معارضه مسیحه برای درک هر چه بهتر و عالی تر ۲۰۲ ل در درجه

اول شود و صق خوردنفا، بگیری خوردنفا است که ضامن سیرت و کفایت است، بر صورت در این سلیم،
 بگیری که راجع به سوزگی ۲۰۲-۲۰۳ غواهم کرد، بیشتر همین روال در باره مفاهیم است، اصول است، و سق

است سوزگی ۲۰۲ صحت خواهد کرد و هزاره تا جایی که مقدورات منابع را به رفا عینی خواهد کرد، برای اینکه
 در رابطه با آن موضوع گفتنی هستی گفته، و نظر یکی گوئی می کنیم تا یک تطبیق از سوزگی ۲۰۲ ارائه خواهیم

تا زمانی مطالعه مسن نقای الهی باشد، هر علمی دار
 هر علمی دارای تطای از مفاهیم است مثلا در نظر بگیریم فریک را، ماد فریک با مفاهیمی سن شود، و سق

حجم دیگری مفاهیم دیگر سرگرداریم، در حقیقت سلا فریبی که در فریک ما با آن بر ضروری کنیم رابطه عین مبتدا
 مورد گفتار در نظام مفاهیم متکلی می آید، سلا در واقعیت علمی رابطه ای بین آنها را، که برای آن شده و سق

و هر دارد، این رابطه در فریک بصورت درج بری با (RXS) مانع داده می شود که در حقیقت بازسازی رابطه ای
 است که در عینیت و هر دارد، بازسازی آن عینیت در رابطه ای از علائم با مفاهیم، همین که هر علمی سق

را قدم کنیم دارای سیتی از مفاهیم است در رابطه عین و مشخصی را نیز بین مفاهیم برقرار، میکند و اگر
 تا هر شود این رابطه مشخص و عین را برقرار کند علم بدون خوردن رانفی کرده، درجه است سق نقی نظر یکی در علم

اجتماعی این نظام مفاهیم محو است دارد و هر کتب مشخص کوسی می کنند نظام خوردن را برقرار کند و این کتب را بار

مخصّات ساهی، عیالگری خاصیت دان عالی را تا آن مخصّات نام نبرد و این می گذارد و این به هم
 هر وقت لغت نبرد شده می گویم که مظهرین چیست، و چه عالمی است و می کند در جامعیت می داند
 در علم اجتماعی لغتیم منصفی که می رود مفاهم یک در دستگیری از جانب صاحب نشان نگار گرفته می شود
 در علم هر کدام از آنها صدق این را طوری رنگ می فرماید یعنی در این در یک می از نظیر یعنی آن مضمون
 و هر در دارد، سینه فرعون کند اگر چه بعضی از کتبی که می نویسد که در این کتب در باره علم
 ندارند، عده ای صاحب را بر این اصول اطلاق می فرمایند و عده ای صاحب را بر این
 مخرجاتی تعریف می کنند، عده ای صاحب را در صفت مکتوب تعریف می کنند، و کسب صاحب را بر این سینه
 تولید و تولید تعریف می کنند یک کلمه واحد نام صاحب و هر در دارد و بعضی مکتوب مختلف ادوات مختلف
 و این کلمه ای که همواره در مطالعه علوم اجتماعی به در نظر است، و این طریقه در دستهای دست علوم اجتماعی
 نیز تا این سینه بر فروری کنیم و همین امر را در این مکتوب و این مکتوب می گویم و این کلمه ای که قلم هم به آن
 است رای گویم، مفید و امری بنا می کند هم از جانب اولاد است که می گوید، هم از جانب اولاد
 از جانب مکتوبی الهی، آن مکتوب که این تعریف دارد مضمون علمی این تعریف با کتب دیگر از این
 تا آن مکتوب می کند، یک مثال سوره نهم سینه فرعون کند، سینه اولاد است، سینه اولاد است که در این مکتوب
 و ظنم وارد آمده و این را می کند، سینه نهمی کند، سینه اولاد است، سینه اولاد است، سینه اولاد است
 مکتوب است، در اینجا سینه مکتوب می کند در این مکتوب سینه اولاد است، سینه اولاد است، سینه اولاد است

و آنقدر که خود ستوری سازمان را بخندان در نظر ندارند تفهیم در درک کنیم معنی تراشیم یک درک درستی
از آنچه خودمان در نظر داشتند وی فرستاده انتقال بدهند بهر دست سازیم هم با سلیک با یک بسته

از مفاهیم با کسبی آشنایی داریم. درک برای تحقق این مفاهیم را بدیم. در صحنه‌های زندگی که داشتیم
این مفاهیم تلویحاً با خود است و آنچه که بهر همت است که گوییم کنیم با کفایت و پژوهش

بحسب این مفاهیم را می‌نظریم بنیان گذاران، کسب و به تدوین کننده آن سبدهای در نظر داشته
دکتر کنیم. سبک هم با مفاهیم من عمل. من کند، من شن، من شن، من شن و از این من مفاهیم

نگوش خورده و با آن است هستیم می‌باید برویم در این سبک و با مفاد و دقیق کارگستی از این
مفاهیم هیت. اگر با این یک دقیق را هیت بنادیم و از آنجا خود و هرمان خودمان بدیت بنادیم

آنوقت سعی در بر فرد با تطرات دیگران بهنجو علمی می‌توانیم آنها را بعد از زبانی قرار بدیم و همچنین
در هنگام فکر خودمان بهر یک سبک تفکر علمی را هیت برویم و از اراکات دقیق و حقیقی که از واقعیت

بدیت بنادیم بهمین هیت است که ما در این قسمت از صحنه‌های جهان یک بسته از مفاهیم را به ستوری آ. آ.
با آن سر و کار دارد در هیت دارد نگار می‌شود بهنجو سبک یا بهنجو علمی این مورد بررسی قرار خواهد مفاهیم دار تا

آشنایی با این مفاهیم بهر توانیم خود ستوری را درک کنیم و با بهی لازم را برای آن داشته باشیم.

بارگام و دوردانش

کتاب تدبیر منضم به اصول راه تبیین و تعریف سه مفهوم ذهن، عین، و عین آغاز می‌کنیم. این سه مفهوم

از

از مفاهیم پایه‌ای هستند که در حوزه تفکر حکم و هدایت سر و کار داریم که اگر وقت کنیم تا آن‌ها را درک کنیم و درکی از این سه حوزه قرار می‌گیرد، با اینکه رابط این سه حوزه را با زبان می‌کند و البته معانی و صور دارند

که محقق به کمک از این سه حوزه هستند، بلکه در هر یک از این حوزه‌ها کار می‌رود و هم مورد استفاده قرار می‌گیرند. اول از مفهوم ذهن شروع می‌کنیم. ذهن یعنی چه؟ قبل از آنکه بتوانیم مفهوم ذهن را دقیق

بفهمیم و در مفهوم دیگران نیز باور بگیریم، یکی مفهوم شفاف و یکی انکار است. از نظر یکسب شفافیت انکار است. عین یعنی در برابر آن است. البته این‌ها به ذکر است که از ابتدای شکل‌گیری

تفکر، شفافیت یکی از سبب‌هاست که آن بوده که در این مورد تمام فلسفون نظرات و ترمیم‌های خود را ارائه دادند. سبب‌هایی که در این زمینه وجود داشته و در این حوزه‌ها می‌شود تا حدی جمع‌بندی کرد. یکی اینکه شفافیت

همیت و موضوع شفافیت، بودن شفافیت، ضرورت شفافیت، اهمیت شفافیت، ویژگی‌های شفافیت، هر فلسفوی نظریه‌ها بر سبب‌های ذاتی زبان خود و در واقع عینی را که داشته

در باره این‌ها اظهار نظر کرده. از نظر یکسب شفافیت واقعی عین و در شفافیت است و این اعتماد دارد که اگر آن شفافیت هم معرّفان است. البته امروزه علم دیگر این سبب را به حدی نظری می‌کند و تا آنجا که

مربوط به سبب‌ها است که شفافیت می‌شود اما کرد که سبب کل من است و یک تقویم دیگری هم می‌تواند

در روی این سنگ انجام میزرد اگر چه پر زره نام آسانی این سنگ را قبول می کنیم ، این سنگ نزاره کن سنگ است یک
ار بر روی نظر های سحر و جادو برای آینه این آینه مورد قبول واقع شود لکن در این صفت سخنی بنی دو اردگاه سحر و جادو

و این آینه بر سر این سنگ و در دو دست در واقع از نظر نزاره کن که یک هستی ماری است دارای انجمن
مخصوصی است که آنرا ماری می کنند ، چون عینی را در عرض منقلب کنند . در جهان پیچیده سنگ هم

سنگ است ، ملاحظه که این ماری در روی سنگ و در آینه لوله این امر صورت می پذیرد نزاره کن نیز سحر و جادو
سنگ و ماری شود چون عینی را در این حالت سحر ماری در عرض منقلب کنند . البته سنگ ماری

در این رابطه مطرح است از جمله اینکه نزاره کن و نگار آن سنگ محمول نگار سحر و جادو این سنگ است
کلمه محمول نگار اجتماعی این سنگ نیز هست که در اینجا سحر ماری را در همین صفت ماری می گویند

در سال کردن آبرام نفسی دیگر در این مطالعه مستحق باید دانند اگر در بردار انعکاس چون ماری در نظر
این صفت ماری می شود ، بنابراین در موقوف خبر ماری هم برای این مطرح شده است که ماری موقوف

انعکاس است و ماری موقوف سنگ است . انعکاس چیست ؟ انعکاس یعنی باز سازی یک پرده در پرده
دست کنید یعنی باز سازی یک پرده در پرده دیگر . مثلاً ما وقتی در صحنی برای بسیم این دست

شکل نقیصی در نظر ماری آینه نقیصی یک دست خود دست است . دست در واقع عینی را
زندگی است که این نقیصی در موقوف آن وجود ندارد . بنابراین در انعکاس ما باید در پرده موقوف

هستیم. مگر پرسش ای که متفلسس می شود، مگر پرسش ای را که متفلسس می کند. جمله (بنا بر دقت پرسش ای است، واقعیتی است که متفلسس می شود و مغز پرسش دیگری است که متفلسس می کند. مفهوم انگاس مگر از ما هم بسیار

مهمی است که درک دقتی که است به دقت بسیاری از این فکری یا خواهد کرد و جمله در دقت واقعیت
عینی درک علمی تری را با ما خواهد داد. خوب در صورت پرسش بازی سازی یک واقعیت مگر پرسش در پرسش

در انگاس نام دارد و پرسش بازی جهان عینی در فراق آن که صد گزینا گونی را می گردیم و کلمات نام دارد
مثلاً در همان سالی که زودیم دقت به صورت مگر تصور در فراق آن نفس می بیدد این مگر از صد بازی واقعیت

عینی در دقت در فراق است. و در دقت بصورت مفرد، بصورت کلمه، دقت هم می تواند در ذهن و وجود واقع
باشد. و وسیع صحبت می کنیم بدون اینکه در دقت حضور داشته باشد که در سطح است با متفلسس شود.

این مفهوم نیز یکی دیگر از صد بازی واقعیت عینی در ذهن ما است یعنی ای اینجا با دیگر داده شود
حرفها در زبان است صحبت با آن دیگر است این است که شدت، همانطور که گفتیم پرسش

انگاس واقعیت عینی در فراق آن است در این تعریف پیدا شد که راجع به دقت با غلط در آن این
انگاس صحبت نمی شود. بنابراین ممکن است این شدت، شدت دقت باشد. ممکن است که این

شدت شدت غلط باشد. شدت دقت هم شدت عینی است؟ انگاس دقت هم انگاس است؟
و وسیع آنچه که ما از واقعیت می گوئیم، و وسیع مفهومی که می سازیم تا بقدری را که می سازیم بصورت

محصلات سخن این انگار در دفتر ما بر وضع عینی غرضان الطبیق داشته باشد. آن وقت این سافه درست است که گوئیم این شفافیت شفاف حقیقی است شفاف درست است. اگر بر وضع عینی

غرضان الطبیق نماند، پس بعد از آن وقت این شفافیت شفاف درستی نیست. حالاً با تعریف مفهوم انگار و شفاف می‌توانیم مفهوم ذهن را تعریف کنیم و فرق آنرا با شفافیت با انگار توضیح دهیم. همانطور که

دیگر شفافیت پرده انگار، پرده باز یکی واقعیه و واقعاتی نظریه‌ها پرده باز یکی حواله‌ها یکی در عین عینی در غرض است. حصول این پرده در غرض که حاصل پرده‌های مستقیم و

کلیه است که در طول زندگی در غرض با جهان‌ها یکی یک فردم و در غرض با باز یکی همه مجموعاً ذهن می‌تواند تا عینی می‌شود. تا بر این ذهن حصول پرده شفافیت آفتابی آن است در صورتیکه

شفافیت در پرده شفاف در هر زمان سخن و عین است یعنی در وضع ضعیفی مورد نظر است قرار می‌گیرد و در غرض تا شفاف می‌شود. ذهن حصول و تمام مجموع و قیاس این پرده‌ها شفاف است در صورتیکه

یعنی از زندگی ما اگر هم در یک سیم سیمه آراییم کلمه ذهن که بر فرجه سردار کلمه شود استعقوه می‌شود و این کلمه در زمان ما سیم آگاهی زخم می‌شود و دعوت است. مفهوم دیگری که باید در باره این صحبت

کنیم مفهوم عین است. تعریف عین، با تعریف خودمان انگار است و همانطور که همه را بر ضد کردیم می‌توانیم همه آن واقعیه عینی است که مستقیم از ذهن آن و بعد دارد در سیم آن شفاف می‌

که سینه‌های آن‌ها در کسی شود، همان‌طور که گفته شد، بلکه یک توره فلسفی است یعنی تحریری است از افعال
 مشخص بلکه تحریری فرد یعنی چیزی بنام مان و هر دو در آن یک نام است یعنی همان است. پس چه نفوس است و سینه‌ها هم

سینه سفیدی داریم، اما این سفیدی هم به نظر سینه و هر دو در چیزی می‌انفیسند چیزی تا لذات تا سینه سفیدی
 نمی‌توانیم پیدا کنیم، بلکه می‌توانیم است و یک مفهومی است که بر آن چیزی که تسبیح از ذهن ما وجود

دارد، استی از سوره و هر دو در، هستی این به سوره و اراده سینه و در سینه‌ها می‌تواند از نفس سوره
 و عکس‌داری سوره‌ها ناسی می‌شود. تا بر این سینه بلکه سینه و سینه است، یعنی مادر چنین همواره

ما اعدان سینه روز و هستیم ما با سینه و در هستیم، بلکه سینه روز و هستیم، برای همین است
 که در سینه بلکه هستیم شود، بلکه توره ای است فلسفی که دلالت می‌کند بر واقعیت یعنی که سوره این

مفروضات با آن مفروضات را دارا است یکی از مفروضات است می‌تواند حرکت دائمی آن است یعنی بلکه
 در حال تغییر و تحول دائمی است. اگر همه علم صیغه علم است و هر علم اجتماعی که می‌توانیم هر علم دید

که در سینه این علم در سینه اندرون است و سینه توانست حکم بر تغییر و تحول مضمون مورد مطالعه آن علم سینه است.
 هر علمی را در سینه تغییر و تحول سینه را مورد مطالعه در حقیقت قرار می‌دهد. سینه‌های سینه

علوم اجتماعی سینه حقیقت تغییر و تحول جامعه است سینه حقیقت تغییر و تحول سینه‌های مختلف سینه است تا
 با مباحث دمیتر جامعه است را مورد مطالعه قرار می‌دهد. برای اولین بار همین تا سینه و فلسفه بود که سینه

گردید حرکت جامع آن نیز شامل حرکت تابع جسم آن است و قراین سبب از راه آن به بر آن حالتی می کند. از طرفی جسم این تغییر و تحول، تغییر و تحول کلی هرگونه تغییر و تحولی حاصل نمی نماید اجناد است.

تکلیفات این اجناد حضوریات و کیفیت آن سبب در صحنه های مختلف مورد نظر است و تفاوت است و تشریح عدم تحقق آن صحنه مورد نظر است و تشریح آن می گردد. مگر جسم را از این تغییر و تحول را در تابع جامع آن به تشریح

گردید آن دادیم آن تغییر و تحولی که به جهت تغییر و تحول یک فرد است و در این ^{شخص} شخص اجتماعی یک دوره تاریخی میگذرد تا زمانی از دوره تاریخی گذشته می شود. همساری است که بین نیروهای دولتی و نهادهای دولتی وجود

می آید و در آن مناسب است تا زمانی که نیروها را در رون خود حفظ کند و در نتیجه آید که مناسب است صبردی یعنی روابط جدید اجتماعی و تولیدی بین روابط جدید اجتماعی و تولیدی در جامعه برقرار شود و در این وسیله

یک دوره تاریخی جدید را جامع نمیشود. اما تغییر و تحول که در شکل اجتماعی حرکت مگر نوعی می شود و دارای تفاوتی است با تغییر و تحول است که در شکل دیگر حرکت مگر نوعی می شود. یکی

از مهمترین این تفاوتها این است که در تغییر و تحول شکل اجتماعی حرکت مگر نوعی می شود و آگاهانه ذهن هستند و از طرفی آن در شکل شرایط یعنی شخص عمل می آید تا به قوت کند مگر یکی اگر هستند، و از

طرف دیگر روابط برکت آگاهانه ذهن می آید بر روی حرکت مگر نوعی می آید و از این امکانات است و این حرکت می آید و از این امکانات می آید و از این امکانات می آید و از این امکانات می آید

میکنند بگویند دستها را با روغن زیتون و روغن بادام زرد و روغن زردچوبه و روغن کتان
میکنند. زیرا اینها هرگز منافعی که در سراسر این ایام می بیند را با مقدار اندکی صرف می کنند. در صورت

که گفته می شود که بواسطه فعالیت های بدن که با مقدار کمی از این روغن غنی می شود می تواند
بسیار در اینها یک سینه دیگر نیز در نظر گرفته شود و آن است که این فعالیت را این فعالیت می دهد

سینه ای که با این روغن غنی می شود در این ایام در صورتی که در این ایام در این ایام در این ایام
تقدیری در ذهن خودمان داریم. تا این اندازه خودمان را با این مقدار می کنیم. آماده خودمان را.

و این خودمان. همه های خودمان را بخواهی که با این روغن که می تواند با این روغن غنی مانده. یعنی همان
تقدیر از این روغن که در مورد سینه کارمان داریم که با این روغن می بینیم این فعالیت را می داریم دارد تا یک

قسمت همین روغن را در غنیت به حقیقت می بیند. یعنی در حقیقت روغن را در یک انبساطی را می سازد که در
بر آن واقعیت می بیند. سینه ای که کارگر را تصور کنید که خطرناک از مواد طبیعت چیزی را می سازد که تا حال

و در این ایام چیزی را می سازد که اکنون می تواند در این ایام در این ایام در این ایام در این ایام در این ایام
کارگر که کارگر را تصور کنید که خطرناک از مواد طبیعت چیزی را می سازد که تا حال و در این ایام در این ایام

اکنون می تواند در این ایام در این ایام در این ایام در این ایام در این ایام در این ایام در این ایام
می شنوند از طبیعت گرفته می شنوند و در پرده کار او در این ایام در این ایام در این ایام در این ایام

انجام دهنده و در ارتباط با این تعلقات چندین نفری ایجاب می کنند که در هر یک از موارد استعاره و تلمیح قرار فرماید
گرفت. اول از این در رابطه با جهت احتمالی نامه بعد از دست یافتن به کلی احتمالی حرکت نامه تقسیم که این تفسیر

بین نیروهای متولد و سیاست تولیدی است که هر چه راه می رود به جهت تعلقات بسیاری برای گیرد
اما این تصور در جرایع طبقه خود را به صورت تفسیرین تعلقات نشان داده. در قسم سینه جفته، یعنی

برایست جفته است که عین می رسد به عبارت است. هر چه است که تقسیم آن را در قسم براسک می تواند
بر روی عین اثر کند. در واقعیه مطلوب هر شان را به واقعیه عینی تبدیل کنند. اما اثر حرکت احتمالی

باید نیز حرکت عینی است تا بر این اساس می توانند در هر زمان هر شرایطی هر واقعیه را که مطلوب طبع آن است
به واقعیه عینی تبدیل کنند. لکن قدرت آن برای یک واقعیه به واقعیه دیگر در قسم آنکه آن که خود واقعیه

هری در هر واقعیه وارد در اجزای آن نمی گذارد که در هر شرایطی شود. مثلا آن ها از زمان کردن اولی
نمی تواند حتی از پایه مورد نیاز هر دو است. اما که در این مورد یعنی این قدرت و محدود دارد. یکی کتابه

مورد بسیم را برقرار کنند زیرا این دانسته است لازم و جرای این نوع مناسبت در جزو واقعیه عینی و محدود دارد.
و با اینکه مثلا حتی در زمان آفتاب با اثر چه که بسیم برای است. اثر چه ایده های روشنی نسبت

مورد بسیم داریم معذرت واقعیه احتمالی با این اجازه را می دهد که روابط مورد بسیم را برقرار کنیم. لکن
تا به بر صدای نام آفتاب برسد. دیگر است لکن را از سر برداریم. بر این چنین که در راه تقسیم که آن تا

می تواند واقعیه مطرب فردین را با واقعیه علمی تدین کند یک حکم متوسطی شود. حکمی است که در هر زمان و هر شرایطی کار را صاف و راست می کند. این را در شرایط همین اقامتی آرزوهای مستوفی می توانستیم جمعیت برساند.

در آن تاریخ بچشم دیدیم و بچشم شنیدیم. یعنی اینهمه واقعیه علمی تدین کند. سوسن سنان است که واقعیه مطرب با از پیش در ذهن ما و صبر دارد و با اراده خود را با واقعیه در اختیار خود را آورد.

ایکانات خود را برای حق آن که بر ما کرم است. با این هر حقیقه این تقدیر درست است. هر چه در این تقدیر بر قراین ها که بر حرکت آن عین بود نظر اطفالی شدی داشته باشی هر چه در پیشتر واقعیه است.

اما آن حق این شد است. پسین حقیقت لازم می آید برای آنکه بر این که در نیمه مطرب برسد بدین مطلوب برسد یک رنگ دهقی علمی از واقعیه بود نظر و در نتیجه خودی که در آن است بر این است.

انجام می شود در ذهن داشته باشیم. هر چه در پیشتر واقعیه است. اینها را در هر چه در پیشتر واقعیه است. اینها را در هر چه در پیشتر واقعیه است.

یک بر این عظیم اقامتی است. موضوع این بر این است. هر چه در پیشتر واقعیه است. اینها را در هر چه در پیشتر واقعیه است. اینها را در هر چه در پیشتر واقعیه است.

آمده های وسیع است که رباط علمی را در هر چه در پیشتر واقعیه است. اینها را در هر چه در پیشتر واقعیه است. اینها را در هر چه در پیشتر واقعیه است.

مناسبت را هم برند در اینجا ذهن تمام آن تصدیق که کرده و هر چه است خود را از ضرورت این تغییر و این
تغییر دارند. در تمام ذهن جمعی می شود. تمامی مختصات آن در تمام روز تغییر یعنی مناسبت در تمام معنی می شود.

خود انقباض در تمام عمل جمعی می شود. مایه در تمام انقباض روزی از شرایط ذهنی داشته باشیم به شرط ذهنی سایرین
به مختصات ذهن نبرد ذهنی می شود. در انقباض ذهنی می شود و در تمام معنی می شود که با اراده آنها می شود دارد.

سنگ در انقباضات با هر چه در انقباض ذهنی است با است چرا که می شرط است او را در انقباض در راه رسیدن سپاه
جمع می شود که این هدف تا آخر اندازه امکان نمی دارد یا ندارد. برای رسیدن به آن ضرورت را در انقباض

ب زان در انقباض ذهنی می شود می شود چرا که این در حقیقت با این روابط معنی و معنی می شود در تمام
کوشش می کنند و در تمام معنی می شود که این می شود که در تمام راه می رود به آن می شود که می شود در مورد

شرایط معنی تمام آن مختصات مربوط به مناسبت در روابط اجتماعی که مسئول از آن است مناسبت به هر شرایط معنی
می شود که در تمام معنی می شود در تمام معنی می شود. حال این معنی را می می شود که معنی می شود.

در انقباض با انقباض ذهنی می شود که ای را به هم در انقباض داشته باشیم و در تمام معنی می شود که در تمام
شرایط ذهنی را با انقباض ذهنی برای پیوستن انقباض می شود که در تمام معنی می شود. شرایط ذهنی می شود

موردی که می شود که گاهی گاهی است در تمام از حقیقت در تمام معنی می شود. مایه در تمام انقباض ذهنی را در تمام
تکرار معنی می شود بر اساس اظهار نظر کنیم. در تمام معنی می شود که در تمام معنی می شود. نقطه نظر ها و معنی می شود

یک سال از آنوقت که تالیف هرات برانگش کرده‌ها دارا است، به هم انقباض بودستی نمی توانیم
سرانی آوردندی برسد. این سال از آنوقت که بعضی است که سوزن می‌دهد که این انقباض

صها هستند. این سال از آنوقت که استانی در است انقباض دارند، این سال از آنوقت که است
انقباض دارند، این سال از آنوقت که است انقباض دارند، این سال از آنوقت که است

باشد. این سال از آنوقت که است انقباض دارند، این سال از آنوقت که است
باید غرام و اراده انقباض قوی را برانداختن نظام ببرد داشته و به طبع آن آنکه هرگز نه فلکای برای

برانداختن نظام ببرد و برقراری نظام جدید باشد. باید در وضع انقباض بیزی آینه که معنی رسیده کرده است این
شرایط ذهنی انقباض هستند. در عرفان عام خودی کردن باید سیستم رفت شرایط ذهنی هم عوامی مردی

بماند. در حقیقت انقباض انقباض است که در است انقباض دارند، این سال از آنوقت که است
انقباض صحنه است که در است انقباض دارند، این سال از آنوقت که است

عظمت باشد. این انقباض از یک طرف حاصل می‌شود و در طرفه و انقباضات طبعی است که در حقیقت و هر دو طرف
سوی یک طرف حاصل برانگش است. بنابراین هر چند روایقتی است و در است انقباض دارند، این سال از آنوقت که است

انقباضات و انقباضات طبعی را برانگش می‌شود در طرفه است و در است انقباض دارند، این سال از آنوقت که است
در هر طرفه در انقباضات طبعی را برانگش می‌شود در طرفه است و در است انقباض دارند، این سال از آنوقت که است

تواریخ برای تقویت دماغ و تقویت عین البصائر می آید هر چه در این رابطه نفس رسته های کتف این طعم
را سه مرتبه می کنند. این دماغ صفا کننده و در درجه اول هر نظریه که نفس در کتف صفا می یابد هر چه در
نفس

روی کتف رابطه بی همتا، تیره ها کتف و تیره ها کتف می کنند این نفس و ضروری است که تیره ها کتف خود را در دست
واقعی می خوردن می تواند منع واقع و تاریخی خوردن است که می تواند کتف را در دست طعمانی پروتئین را این است

سپرد است که باید ماهی و ماهی صفا کننده طعمانی را به سبب طعم برد این آب می دارای صفا می است. اول از
این است که باید طعم را از مرقعه خوردن در تمام رابطه طعمانی آگاه کند نفس اگر در این نگاه نفس دهد و در حقیقت

ش هفت باید در وضع برکت طعمانی را مشخص کند. این در وضع برکت طعمانی کل نظام اجتماعی نظام خود است.
ش هفت برای طعم خوردن می تواند که صفا کننده است که برای سبب دارد هم رابطه ای، طعم و دیگر دارد

هر صورت واقعی است اگر رابطه کتف در دستان دیده. دستک در دستک اگر نفس می کنند. در این ترتیب طعم
را از مرقعه خوردن در کتف تمام کتف. در این آب می در همین حالتی تواند سبب برسد و تمام شود

نگاه کردن شده است سبب سبب طعمانی است و سبب این سبب و سبب این سبب برای سبب مطلوب است. این
سبب هفت رابطه دارد در سبب طعم خوردن راه نفس کند و آنرا برای این طعم شرح کند تا توده ها این است

شرط رهائی از واقعات محدود در سبب است. در فاصه این سبب در سطح می رسد که هر امر است مشخص باید
ای آید خوردن تا این شرایط بود و در سبب نیز زیرا که در هر صفا کتف اجتماعی هر وضعیت اجتماعی تیم و کتف

این نیست همین جهت با آن آرایان با این اندیشه ها سازنده می کنیم و حقیقت آنقدر که است بقدرهای فهمیم
یعنی از همین مورد نظر آنکس درست را بجای آنکس غلط در نظر نداده ها جا بگیریم می کنیم. دوام بقین بر این است

است ، بقین نتیجه عملی . اکنون بنا بر یکی از واقعیت که در دست آوردیم ، با ذهنیت درستی که بسیار داریم
بله ، تمام این می شود چه بر اینک را با بداییم بر هم ، پس این بر این راستی می کنیم . (هر افعیل راستی)

می کنیم ، و پس در نتیجه یکی این در سن راستی می کنیم ، اگر از این تراه می شناسیم . و آنرا را در دنیا می
که بر علم تمام وجود در دنیا حققت خوردن دارند را هر یکی می کنیم . این است وظایف استی بر این است

در یک حسندی که هر فکر که رفتن است این ایام داد و طلبیم بر این است که در هر کس از تراه ها و روح تراه ها یعنی
تجربت در آن دوران آنرا با زمانه آن تراه ها ، اینها هر فکر که لغت شد و وظایف استی بر این است که در هر کس

مدهده . اکنون همین مقدار در مورد سه مورد عین ، ذهن ، عمل و نتیجه می کنیم و در نتیجه و در نتیجه عقولت دیگری
می بر او ای که در حین مطالعه ، ما بنده می نه هم استراری ، هم ما کتیب ، هم آنرا با زفاوان داریم و فقط

توضیح می شود که برای مطالعه در یک جمعیت و یک دانش معضل یک تراه به این عقولت بعد از بنده
به مطالعه ای رشد و در مقدم این مطالعه کتابی که ما در علم شده اثر و موردین گفتند ، است می تواند نقش

مستحق اب را می تواند .

در این قسمت از صحبت با این چند مورد دیگر را می در مطالعه قرار می دهیم . این ما هم عبارات از خودمان

قدرت، مفود اولت، مفود سبت، مفود قدرت و دلای و مفود قدرت سببی.

قدرت چیست؟
قدرت

قدرت چیست؟ معنی آن چیست؟ ما را فروری کنیم که می گردید قدرت دوتای در دست تان مبین است باین مفهوم که می گردید فعل کرده واقعا دارای قدرت است مفود این افعال نظیر علمی چیست

و مظهر باید آن مفود. حق از آنکه مفود خود قدرت را شرح کنیم باینکه بیایم به یاد آید که کردان این است که حاصل اقبای از نظر ما کسب علم است یعنی می در تاریخ حیات ما سه نظریه کلی در دست ضای از

علوم که سه را از تفکر و کلمات اقبای را مورد بررسی می نامند و تفصیح فرای گرفت، همواره این سه که هم خوانند و به تغییر و تحول مبع می شود و نفس نفس کنند و در مورد کتب دستار که بود یکی از این

تفکرات مهم که سه نیز در اندیشه دانشندان سطره داشت این بود که این امر از انواع هستند که حرکت تاریخ را تسهیل می کنند یعنی تصویبات اینها، تفکرات اینها، بر اینها و در نتیجه بر اینها

است که مفود و مفعول و مفعول تاریخ را همین می کنند. ما در کسب در این مورد جزئی زبانی زدو اظهار نظر مبع در کسب در مورد این سه واقع واقعا و اظهار است. اما آنچه که مبع ما مرد باطنی بود

این است که از نظر ما کسب یک و مفعول مفعول اقبای حاصل بر این یک فرد و مفود قدرت است ملامت محول گرفت و اندیشه بر این یک مملوون است است که در یک مبع زبانی می کنند. با نظیر

بعضی کلمات بر اینست که در این صیغه زنده می کنند. اینست همین جابجایی شود
 این است که در یک صیغه های این است با در صورتی ای نام طبع صیغه های گریز را از آن حذف و صیغه
 امضای بسیاری از در صیغه گریز می گیرند. در نیم هر صیغه افعالیه نیم اموزی در یک بر این
 طبع است که در دهه آن می باشد. از این نظر علمای افعالیه از دنیا ه تا نیم طبع است
 یعنی این بر اینست که در ای عملی افعالیه است یعنی این که این بر اینست که این است که می تواند
 در صورتی مختلف افعالیه می گذارد. صیغه در یک صیغه های بر اینست که فرد در صیغه بر اینست که
 طبع یعنی برای گریز. در صیغه بی معنی صیغه و فاعلیه طبعی این صیغه در نظر باید در در ای
 قرار گیرد. در صورتی که در صیغه است و وقت آنست و با از صیغه صیغه می شود و در ظاهر صیغه
 ممکن است انظر در نظر است که این افراد هستند که همه چیز را همین می کنند و بقیه بیرون بدون اراده و تقسیم این
 هستند که ممکن است صیغه است و عده ای بیرون اراده و تقسیم هم داشته باشند و تا آنجا
 که تقسیم بر و عملی های افعالیه او که در هر کدام از اینها فاعله و مفعول را از و اینها صیغه یعنی
 از صیغه هستند. این مقدم را برای این گفتیم که وضعی است که قدرت را در هر چه می گوییم که اینست
 بیان صیغه اینست که در هر چه که قدرتی که در در هر چه است قدرت افعالیه است یعنی قدرتی که
 اثر گذاری در یک افعالیه قدرت اثر گذاری بر هر چه ای افعالیه را دارد. حال باید به کلی اثر قدرت

که همان طور که گفتیم در تاریخ سادات قرن ۱۸ و ۱۹ واقع شده است. شخص کننده قدرت آن طایفه است.
 و طایفه ای که در قسطنطنیه و در ولایت اصفهان نفس شیرازی را بسته است در قسطنطنیه و در این طایفه است.

مهرم شیرازی اندکی که در منطقه رابطه ای موفق به ناسن هر چه بیشتر با طایفه خردی می شود. سلطان
 ارمین این است که طایفه مذکور دارای قدرت شیرازی است که نسبت به شیرازی است. و همین لحظه و سینه

طایفه ای مسلح می شود و این خردی را در هر دو آورد در مقابل هجوم طایفه خردی نام آن کامل می کند.
 اینهمه مبین قدرت اصفهانی است از آنجا که گفته است این شیرازی است که قدرت شیرازی است در

شهره روابط طایفه شیرازی می شود و اندازه گیری می شود. این شیرازی است
 به چه عواملی شیرازی دارد خردی در وضع هم است سینه قدرت به اندازه شیرازی که می تواند عمل شود

سینه تا آرد و وسیع از آن می می یوزد. مملکت قندهار هم است که طایفه شیرازی است
 از راه می شود. این سینه است که این شیرازی خردی کند. در شیرازی اصفهانی می تواند است. این

شیرازی طایفه رقی شیرازی کننده در شیرازی اصفهانی که است که با کاه می این شیرازی شیرازی می شود و با طایفه
 نظرات آنها در وضع می شود برای نفس شیرازی آنها نظرات شخص طایفه شیرازی این اندازه کاه می

طایفه شیرازی است که در قسطنطنیه سوز و آتش می شود. سینه شیرازی با شیرازی کرده ها شیرازی با طایفه شیرازی
 سینه شیرازی شیرازی که از شیرازی با شیرازی آورده اندازه قدرت طایفه شیرازی شیرازی

میباشد این تعریف عام است و صد این علم دارای عناصر و ضمه های عمومی خاص و ضمه های خصوصی خاص می باشد
 نیز است و ولی همانطور که همه می سرزد شده است یکی در صورت حسنه رابطه حکمت است ، با این روشی

است و بخیر بگویم در همینجا دولت و دولت را تعریف کنیم هر چه که است نسبت به دولت رابطه ، با این روشی
 هیچ چیزی ندارد و نمی تواند کان شود - را اول ، بدین معنی که تئوری دولت در اسکیم یکی از نظر همین

افراد دیگر در کسیتی است که این سه مورد را از طریق تعریف کسی که این تئوری تعریفی ندارد در زبان
 را بدین معنی نمی تواند و در همینجا را بدین معنی در یک کلمه به معنی می تواند از معنی است تئوری را کند.

تئوری دولت در کسیتی یکی از جمله های مهم نظرات در اسکیم در هر صورت است از نظر اسکیم
 دولت از همان سطح برتر است که حکمت ، حکمت و حکمت و حکمت است که ما این آن معنی است

و پس همین افراد آن را که این سه معنی ، ما این آن است که این حکمت است ، و پس می
 است ، و با کلماتی است که از طریق آن در رسم آن حکمت ، حکمت و حکمت است خودشان را حقوق می شناسند

و از مع حکمتی ضرورت در قبول طاعت دیگر مانع نمی کنند. هر چه مهم این تئوری در است در این است که
 دولت را از همان حکمتی میباید در اکثر نظرات حکمت می همواره کوشی می شد و کوشی می شود

تا دولت را بعد از آن که از آن می آید و می طرف در ضمی می است حکمت همه بر همدی را از هر طرف حکمت می دهند.
 یکی دیگر از این مهم این است که در تئوری در کسیتی دولت حکمت ، حکمتی که قدرت دولتی را در دست

دارند و مستوران همین مرکب یعنی این و پلین شهری ماکرند تا این زمین را در اجتناب داشته باشند
 و مرکب طبع دیگر است که ماکرند و نفع طبعی در آن راه سخن گفته و از آن بسیاری کنند.

برصرت مجموع این طبعها سی را تمام شده یعنی مجموع این طبعها برای موط
 سلم طبع، طبعات حکم و هر دو یک است و در صفت مایع آنها کاری است و سلم آنها را اعمال

مکنه زمین دولتی ناسی یسود. سایر این می بینیم که ستم قدرت سیاسی مایه دولت تمام اندازه
 ارتباط دارد. یک عینا لایف است و از خود غیر لایف ناپذیر است. مایه سیاسی یعنی مایه های

رای آورنده در جهت و کنونی و اشغال فعالیته این دولتی است مملتی میندی از اشغال مملتی که
 است مابین و پیمان رسته قرن ۱۱ را در نظر گرفته طبعات مختلف مایه های کنند برای اینکه

در دستگاه مایه گذاری راه میا کنند در دستگاه اهرامی را. میا کنند تا بتوانند ترکیبی مین مملتی
 را اشغال فعالیته آورند و در هر چه میا که ممکن است نفع طبعی ضرورت را ماین

کنند. قدرت سیاسی قابلیت مملتی در آورنده ای بر اهداف حکومتی و اشغال فعالیته
 مین دولتی است. یعنی هر چه در یک طبع ای قابلیت مملتی داشته باشد که بتواند ترکیبی

و اشغال فعالیته و اهداف مین دولتی آورنده در مین نسبت از قدرت سیاسی زمین مملتی که برقرار
 است. قدرت دولتی عالی ترین شکل قدرت سیاسی است. برای مین است که مملتی

با اعتقاد دارد، قسمت ای سببی هر آنکه قصه کردن قدرت دلتی است. چرا که قدرت دلتی در حقیقت است
 معنی این است که در سبب سببی ها هم هر گوی سببی تا آن طعم ای است که قدرت دلتی

را در دست دارد. اگر قدرت سببی که در قدرت دلتی ضریب راستی کند، خواهی ای اجمالی ضریب
 رای دلتی در صورت برتری و قانع زاری آورد. تا این برای آنکه بر قسمت سببی یک دولت به چیست؟

باید فهمیم که قدرت دلتی در دست کدام طعم است که کلام طعم است که این قدرت را یکبار اندازد در علم هر طعم
 این قدرت را یکبار اندازد در جهت تا این نافع کدام طعم است که یکبار سببی است که در جهت است.

است. در این که این سببی است که در جهت سببی است که در جهت سببی است که در جهت سببی است
 که در جهت سببی است که در جهت سببی است که در جهت سببی است که در جهت سببی است

برای تحقق نافع طعمی ضریب از سببی و طعمی از این سببی است که در جهت سببی است
 قدرت دلتی عالی این شکل قدرت سببی است سببی هر طعم ای که سببی است که در جهت سببی است

دلتی را که سببی است که در جهت سببی است که در جهت سببی است که در جهت سببی است
 تا طعمی در جهت سببی است که در جهت سببی است که در جهت سببی است که در جهت سببی است

برون را نیز در سببی است که در جهت سببی است که در جهت سببی است که در جهت سببی است
 را در دست دلتی قرار میدهد و با برتری و یکبار سببی است که در جهت سببی است که در جهت سببی است

انسانی است ای می پرورد مردم هست که مانند کوه خورشید را انقباض می کنند و در واقع این مردم هستند
که مانند کوه خورشید را انقباض می کنند در واقع این مردم هستند که می توانیم به همی و همی که انقباضی در پیش

حرکت ما بین خورشید ندارند ، همین عطفی که از دیگر کسی که می توانیم به همی دولت دیگر است را هم در واقع
نقصیم در هم جمهوری دیگر است خروج را . دولت دیگر است دولتی است که واقعاً دوره های مردم در پیش

اهداف ما بین خورشید و کوه را اشغال می کنند و دارند و پیش بازی می کنند . سواست هموار است
در هر یک یک طعمه سفیدی است . جمهوری دیگر است حتی نیز بهی این روشن است یعنی آنکه تمام

طبعاً است که در صفت حق قرار می گیرند این حق را دارند که در پیش خورشید است این حق را دارند
که در پیش اهداف و کوهی در اشغال می کنند نظر بدهند تا این که بهی سواست همی طعمه کاگر

یعنی آنکه در این رابطه قدرت دولتی یعنی هر سواست سواست است در دست طعمه کاگر قرار دارد و اب طعمه
کاگر تا آن می که ، منافع تا بهی این همچنان داشته باشد ، منافع طبعاً دیگر را تا سواست می کند . منافع

طبعاً دیگر را که در صفت حق قرار دارند . یعنی دولت تری چیست ؟ دولت تری یعنی کاگری است که در پیش
نمای اعمال اراده طعمه حکم در صفت کوه کردن ، کوه کردن و بر کوه کردن ، منافع طبعاً دیگر ،

بنا بر چه نظریه دیگر هستیم ، ما بین خورشید همواره در دست طعمه و با طبعات سفیدی است و امری که می تواند
تا تمام معانی تری است تا در صفت منافع خورشید را گمانا نزنه کنند . حال اگر از سوی تری تری است ،

اگر ای که یعنی اعضای طعم آن در صورت منع طعمی طعم حکم آنرا ندانند و طعمی که در حاکم آنرا
ندارند. بنا بر این آن نوعی از طعمی است در برکن طبعیات دیگر اینه ندارند بر عین منع او اقدام کنند

سلام او را در طبعین بدارند و اگر دست به چنین طعمی بزنند نسبت سرکب می شوند و این نسبت توری است
در عین دیکتاتور و دیگر ای را برای طعم قدرین نصیب می کند و نسبت به طبعیات دیگر نسبت توری همان

می کند. سلف و قبیله می گویند رنگ توری است که هرگز طعمی که بر عین منع این است و ای که در از طرف
کرات حکم بر کس خواهد شد و با وقت می گویند دیگر ای حتی به این معنا است که تمام از طبعیات

ندارد بر هر طعمی که در این نوعی سرکب خواهد داشت. با وقتی می گویند رنگ توری بودن را یعنی
هر وقت اتفاق می که در طبع منع طعمی که در این نسبت و این طبعی که در طبع خواهد شد.

خوب وقت آنرا بر من از من هم این می گویند که در طبع منع توری مانند وقتی که بر کرات با آن سرکب
خدا هم دارند و از ابزارهای مهم طبع خواهد شد. ملاحظه می کنیم روی یکبار که ب ۲۰۲ هم اجماع

این روشی و معنای هم از آنرا در طبع منع توری در این معانی که این معانی که بر کرات آن نظام
را استخراج کنند و بعد از آن معانی این است و معنی دینی این فکر کنند تا هر چه در دست و دست برآید

با این معانی و نحوه کار کردن و معنی دینی است که در این کارهای می شود در این کارها که در
در کسب آن آداب و کسب با آن است که این معانی بعد از توری در آن کارها در دست و دست برآید

۵۰

لین که در صفت هون سبب آن این است می تواند مورد استفاده رفته را می زنیم تراکتور بر می
از نه لاش را رفته می توانند بگویند ، دستها در آن جا ، همین نفاهیم . همچنین بر می از آن کار رفته

معدن ، ه نضم این نفاهیم محققان بر می در آن که رفته آینه را نیز رفته می توانند بگویند . این نفاهیم را
در آنکه اسفند آنکه مورد بررسی قرار دهند در مورد نفاهیم این راه جدید دستگیر دریا سته

باید قسمت اول - دستهای هر روز